

nato and the shanghai cooperation organization and its effect on the national security of the islamic republic of iran

Mojahed Amiri¹

Date of Received: 2025/03/16

Date of Acceptance: 2025/06/20



۹۳

نقش سازمان همکاری شانگهای در مقابله با ...

Abstract

the sco as the only organisation to be held against nato development .it is a means for china and russia to prevent u.s. access to huge energy sources in the asian region .the region is considered an alternative to many political players , including the united states , china , russia and the european :union: as an alternative or alternative to the energy source , and this will conflict the shanghai cooperation organisation and nato .the main question of this research is : what impact of sco and nato on national security of islamic republic of iran ?the results of this study suggest that despite the high capacity of the sco and emphasizing the protection of members ' security in its charter , but in the 12 - day war of israel and the united states against the islamic republic of iran , no practical action by this organization should define any practical action by this organization to help maintain security of members .

Keyword: shanghai cooperation organisation, war, nato, national security, islamic republic of iran, united states

1. Assistant Professor, Law Department, Islamic Azad University, shiraz, Iran ,
dr.mojahedamiri@gmail.com

 Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۹۴

سال پانزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

نقش سازمان همکاری شانگهای در مقابله با یک جانبه گرایی ایالات متحده آمریکا

مجاهد امیری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۹۵

نقش سازمان همکاری شانگهای در مقابله با ...

چکیده

سازمان همکاری های شانگهای به عنوان تنها سازمانی که می تواند در مقابل یک جانبه گرایی ایالات متحده آمریکا در نظام بین الملل قرار گیرد. این سازمان ابزاری برای چین و روسیه جهت جلوگیری از دسترسی آمریکا به منابع عظیم انرژی در منطقه آسیا می باشد. این منطقه برای بسیاری از بازیگران سیاسی، از جمله آمریکا، چین، روسیه و اتحادیه اروپا به عنوان جایگزین یا جانشین منبع انرژی در تلقی می شود و همین موضوع باعث تقابل سازمان همکاری شانگهای و ایالات متحده آمریکا خواهد شد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی نگارش شده و سوال اصلی آن اینست که سازمان همکاری شانگهای می تواند در مقابل یک جانبه گرایی ایالات متحده آمریکا قرار گیرد؟ تایید حاصل این پژوهش بیان می کند که علی رغم ظرفیت های زیاد سازمان همکاری شانگهای و تاکید بر حفظ امنیت اعضا در اساسنامه آن و مقابله با یکجانبه گرایی ایالات متحده آمریکا، اما در جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران هیچ اقدام عملی توسط این سازمان انجام نشد و باید کشورهای عضو این سازمان در ثبیت همگرایی و همکاری های امنیتی راهبردهای منجم تری تعریف نمایند تا بتواند به حفظ امنیت اعضا کمک کند.

واژه های کلیدی: سازمان همکاری شانگهای - جنگ، ناتو - امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا

۱. گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران، dr.mojahedamiri@gmail.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

همکاری های منطقه ای بعنوان راهبردی اصولی در جهت برون رفت از چالش با قدرتهای غربی بویژه ایالات متحده در متن راهبردهای جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. بر همین اساس همواره در مواضع و اظهارات مقامات و تصمیم گیرندگان سیاسی کشور مطرح شده است. عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای تبلور اتخاذ تصمیم در حوزه همکاری های منطقه است. با تجزیه اتحاد جماهیر شوروی نقش ژئوپلیتیک تازه و پراهمیتی برای جمهوری اسلامی ایران بوجود آمد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی گرچه یکی از دو ابرقدرت را از مرزهای شمالی ایران خارج نمود، اما به وجود آمدن چندین دولت جدید پس از تجزیه شوروی، امکان آن را فراهم ساخت که سایر قدرت های جهانی و منطقه ای از زمینه های مختلف و متعدد ایجاد شده در مرزهای شمال جمهوری اسلامی ایران، به عنوان فرصتی طلایی بهره برداری نمایند و ضمن حضور سیاسی اقتصادی در این منطقه از جهان، با ایجاد کانون بحران و حضور نظامی در کشورهای همسایه ایران در خصوص ملاحظات امنیتی با جمهوری اسلامی به رقابت و چالش برخیزند و ایران را تحت محاصره یا فشار قرار دهند، و به علاوه با اعمال سلطه بر منابع انرژی منطقه از کسب این ماده حیاتی در آینده اطمینان پیدا کنند. آمریکا در تلاش برای گسترش ناتو به منطقه و حضور بیشتر خود می باشد و می خواهد با امضای قرارداد های مختلف نفتی، چنین ادعا کند که در این منطقه دارای منافع است (ملکوتیان، ۱۳۷۹، ص ۹۵). همچنین آمریکا در تلاش است تا با گسترش ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز و ادامه آن تا پاکستان و افغانستان، ایران را از سمت شمال به شرق، از این کشورها جدا سازد (همان). ایران به دلیل موقعیت ویژه و استراتژیک، منابع غنی و ضدیت با سلطه غرب، حلقه اتصال منطقه خلیج فارس، مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و منطقه غرب آسیاست، و نیز وجود منابع زیاد و تثبیت شده انرژی در خلیج فارس، بر اهمیت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران افزوده است. سرزمین ایران و به ویژه تنگه هرمز و خلیج فارس در جنوب و دریای خزر در شمال به دلیل دارا بودن ارزش های خاص اقتصادی و سیاسی از دیرباز صحنه کانون توجه قدرت های بین المللی بوده است. ارزش ژئوپلیتیکی ایران به حدی است که هرگونه تغییری در حاکمیت آن می توانسته است موازنه منطقه ای و جهانی را بر هم زند (عزتی، ۱۳۷۳، صص ۴۰۳-۴۰۵) کشف ذخایر عظیم نفت در خاورمیانه و مخصوصا در حوزه های خلیج فارس به میزان ۳۹۶ میلیارد بشکه (اسدی، ۱۳۶۸، ص ۲۰) که باعث گردید خاورمیانه و آبراه استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز از اهمیت استراتژیک برخوردار شود، صادرات نفت، کشور های حوزه خلیج فارس را ثروتمند کرد به طوری که درآمد سرانه برخی از این کشورهای کوچک عربی از بسیاری



از کشورهای پیشرفته غربی بیشتر است در نتیجه قدرت مالی آنها از جمله ایران، بازارهای بسیار جذابی برای کالاهای ساخته شده جهان صنعتی را فراهم آورد و اهمیت اقتصادی فراوانی به آنها بخشید، نظریه استراتژیستهای نظامی از جمله آلفرد ماهان^۱ معروف به نظریه قدرت دریایی (عزتی، ۱۳۷۲، ص ۵۲) به اهمیت آبراه خلیج فارس و تنگه هرمز ویژگی خاصی داد. وی معتقد بود که کنترل خلیج فارس به وسیله یک دولت خارجی که دارای قدرت دریایی چشمگیری باشد می تواند موجب تسلط آن کشور بر خاور دور، هندوستان و غیره گردد، بر اساس نظریه مکیندر^۲ در جهان یک جزیره بزرگ جهانی در بین قاره های آسیا، آفریقا و اروپا وجود دارد که قلب زمین (Heartland) در داخل این جزیره قرار گرفته است و دولتی که بر این سرزمین مسلط شود بر جهان فرمانروایی خواهد کرد. بر این اساس بخش های شمالی ایران بزرگ جزء قلب زمین محسوب می شود و در نتیجه ایران از اعتبار خاصی برخوردار می باشد (Chowd-hury&Hell Kafi, 2015:58)، ایران با در اختیار داشتن تنگه هرمز از ارزش نظامی ویژه ای برخوردار است زیرا وضعیت و ویژگی های توپوگرافی و عرض و شکل این تنگه به گونه ای است که هم امکان عبور و مرور کشتی های بزرگ جنگی را به راحتی فراهم می آورد (همان، ص ۴۹۳) و هم با حاکمیت بر آن مکان مسدود نمودن آن امکان پذیر است.

بر اساس نظریه استراتژیست دیگری به نام اسپایکمن^۳ که او هم مانند آلفرد ماهان قدرت دریایی را کلید استراتژی جهانی می دانست، اصطلاح ریملند (Rimland) رایج گردید. او بر خلاف نظریه مکیندر که نظریه ای مبتنی بر تسلط بر قلب خشکی های جهان است معتقد بود ریملند عبارت است از شبه جزیره ای واقع در غرب و جنوب اروپا و جنوب آسیا، که ایران را در بر می گیرد. بنا بر عقیده وی «هر کس ناحیه حاشیه ای ریملند را کنترل نماید، حاکم اوراسیا خواهد بود و چنین کسی سرنوشت جهان را رقم خواهد زد» (همان، ص ۴۲۲) تمامی این موارد باعث شد که جمهوری ایران از اهمیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک برخوردار شده و در تحولات بین المللی نقش مهمی ایفا نماید. در این راستا آذربایجان، ترکیه، امارات، عربستان و برخی کشورهای دیگر منطقه هم اهداف خود را به عنوان یک بازیگر مهم منطقه ای پی گیری می کنند و هم به مثابه اسب تراوی نفوذ سر سخت ترین دشمنان ایران، یعنی ایالات متحده و اسرائیل عمل می کنند و پای اسرائیل و آمریکا را به این منطقه باز می کند. اهمیت ژئواستراتژیک این منطقه باعث بوجود آمدن رقابت هایی شد که به "بازی بزرگ" معروف است.

1. Mahan
2. Mackinder
3. Spykman

اذا این منطقه را به صورت گسل گاهی در مبارزات شرق و غرب، یعنی سرمایه داری و سوسیالیسم، درآورد. (بهمن، ۱۳۸۹) تحولات کنونی نظام بین الملل، بر اهمیت همکاری کشورهای منطقه با یکدیگر برای مقابله با تهدیدات مختلف بین المللی افزوده است. در چنین شرایطی، سازمانهای منطقه ای نقش مهمی می توانند ایفا نمایند. از سوی دیگر فروپاشی بلوک بندیهای گذشته این اندیشه را تقویت کرد که سازمانهای منطقه ای بلوک بندیهای قرن بیست و یکم را تشکیل می دهند. سازمان همکاری شانگهای یکی از سازمانهای منطقه ای است که رشد قابل توجهی داشته است (امیر احمدیان، ۱۳۸۴) و می تواند در این عرصه نقش مهمی بازی کند. باید خاطر نشان کرد ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از ابرقدرتهای نظام بین الملل خود را در مسائل آسیا شریک و تحولات آسیا را در منافع خود حیاتی می داند. لذا در این تحولات بی تفاوت نیست تا جایی که با حضور نظامی نقش فعالی را در آسیا بازی می کند. از این رو ایالات متحده آمریکا در ارتباط نزدیکی با سازمان همکاری شانگهای قرار خواهد گرفت و هر نوع جهت گیری در سازمان همکاری شانگهای می تواند منافع ایالات متحده آمریکا و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت الشعاع قرار دهد. (سجادپور-۱۳۸۵-۲۸۲)

سؤال اصلی مقاله این است که سازمان همکاری شانگهای می تواند در مقابل یکجانبه گرایی ایالات متحده آمریکا قرار گیرد؟

فرضیه تحقیق: سازمان همکاری شانگهای با توجه به ظرفیت های مختلف عملاً نتوانسته در مقابل یکجانبه گرایی ایالات متحده آمریکا قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

محمد حسن خانی (۱۳۸۵) در مقاله ای با عنوان از هلسینکی تا شانگهای: نگاهی به سازمان های منطقه ای در آسیای مرکزی که در فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز چاپ شده به سیاستها و روند شکل گیری سازمان همکاری شانگهای پرداخته ولی به تحولات جدید و نظم نوین جهانی اشاره ننموده است. محمد جواد قهرمانی و محمدرضا حق شناس (۱۳۹۶) مقاله ای را در فصلنامه زاهدرد سیاسی چاپ کردند با عنوان دیپلماسی نوین هند و نگرش این کشور به سازمان همکاری شانگهای که به عضویت هند به سازمان شانگهای پرداخته و به تاثیر سازمان همکاری شانگهای بر یکجانبه گرایی ایالات متحده آمریکا بحث نشده است.

سید مجید قافله باشی (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان رقابت و واگرایی در سازمان همکاری شانگهای



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلوم الاسلامی

با تاکید بر اختلافات چین-روسیه و هند-پاکستان که در فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۱۰۵ به چاپ رسید بر رقابت ها در بین اعضای سازمان همکاری شانگهای اشاره می کند اما نظم نوین جهانی و تاثیر شانگهای بر یکجانبه گرایی ایالات متحده آمریکا بررسی نشده است.

شیوا علیزاده (۱۴۰۰) در مقاله ای با عنوان کارکرد اتحادیه اقتصادی اوراسیایی در پرتو نقش قدرت بزرگ در ذهنیت روسیه به نقش دیدگاه روسیه در قدرت بزرگ می پردازد اما در این مقاله به تاثیر سازمان شانگهای بر یکجانبه گرایی ایالات متحده آمریکا اشاره ای نشده است.

علیرضا نوری (۱۴۰۰) در مقاله خود تحت عنوان ماهیت تجدید نظر طلبی روسیه و چین، سیاست و منافع ایران که در فصلنامه مطالعات اوراسیایی مرکزی به چاپ رسید به سیاست ایران در تجدید نظر طلبی زوسیه و چین و ظرفیتهای و تعاملات این کشورها در عرصه بین المللی می پردازد اما به تاثیر سازمان شانگهای در مقابله با یکجانبه گرایی ایالات متحده آمریکا در تحولات نظام بین الملل و امنیت جهانی مطلبی بیان نشده است.

بحث و یافته های مستدل خزرو سازمان همکاری شانگهای

سازمان های بین المللی در هر نظامی از ارکان اساسی به شمار می آیند، نظم بین المللی نیز از این امر مستثنی نیست. در این نظم نیز بازیگران با ایجاد این گونه نهادها تلاش دارند تا ضمن کاهش آسیب پذیری، منافع خود را به گونه ای بهتر مدیریت نمایند. سازمان همکاری شانگهای یکی از این نهادهاست که بازیگران آن به دلیل مسائل مختلف و در رأس آن جغرافیا از نقاط اشتراک مهمی در حوزه منافع و نیز آسیب پذیری ها برخوردارند. همین "اشتراک" است که باعث شده این کشورها با شکل دهی به سازمان همکاری شانگهای در پی مدیریت بهتر منافع و کاهش آسیب پذیری باشند. منطقه خزر برای ایران از جنبه های مختلف اهمیت استراتژیک دارد. از جمله: اتصال بنادر شمالی کشور با کشورهای اروپایی، اتصال ایران به روسیه بدون واسطه که می تواند در شرایط بحرانی مفید باشد، این منطقه می تواند یکی از راه های تبادلاتی مهم در جهت غرب به شرق محسوب گردد. زیرا اروپا را از طریق گرجستان و آذربایجان به قزاقستان و ترکمنستان و از آنجا به آسیای مرکزی و از آنجا به خاور دور، افغانستان و هندوستان متصل می کند. بنابراین این منطقه می تواند به یکی از راه های اصلی غرب به شرق تبدیل شود، اهمیت منابع نفت و گاز، بازار منطقه خزر برای کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و کشورهای غربی



بخصوص اروپایی و همچنین محور تاریخی-جغرافیایی از اقیانوس منجمد شمالی تا اقیانوس هند و از ولگا تا لنا که با توجه به نظر مکیندر، هارتلند (قلب زمین) محسوب می‌شود از دیگر مواردی است که دریای خزر را به یکی از مناطق استراتژیک در جهان مبدل نموده است. (همیانی و سجادیپور، ۱۴۰۱: ۷۷) بی شک هرگونه فعالیت همگرایانه با کشورهای مستقل به وضعیت بهتری برای ایران می‌انجامد. جمهوری اسلامی ایران از مناطقی که در حوزه سازمان همکاری شانگهای قرار می‌گیرند، کمترنگران می‌شود چرا که شانگهای می‌تواند در کنترل و یا محدود سازی آنان نقش ایفا نماید. تبدیل کشورهای پرجمعیتی همانند چین و هندوستان به مصرف کنندگان بزرگ مواد نفتی، جستجو برای تأمین منابع انرژی جدید را می‌طلبد که بر اهمیت استراتژیک منطقه غرب آسیا می‌افزاید. جمهوری اسلامی ایران نیز در حالی که دارای منافع و علایق مشترکی با روسیه در آسیای مرکزی، قفقاز و دریای خزر است، یکی از نقاط عمده اشتراک نظر این دو کشور مربوط به نگرانی مشترک هم ایران و هم روسیه در زمینه افزایش نفوذ، منافع و حضور کشورهای غربی بویژه ایالات متحده آمریکا در منطقه است. منطقه غرب آسیا صحنه برخورد منافع تمامی قدرتهای برتر جهانی، دولتهای غربی، روسیه، چین، دنیای اسلام بعنوان یک کل از جمله ایران، ترکیه افغانستان، پاکستان و حتی هند شده است. (انوری، ۱۳۸۰: ۴)

روسیه، از سوی دیگر، کشوری است دارای سلاح‌های هسته‌ای با ورود به جنگ با اوکراین عملاً آغازگر هندسه نوین جهانی است که همزمانی عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای و انعقاد قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین بیان گر تحولات و ورود نظام بین المللی به این نظم نوین جهانی است. اعضای سازمان همکاری شانگهای جنگ در افغانستان و عراق و سوریه را به طور عمده ناشی از خواست آمریکا برای تسلط بر منطقه غرب آسیا می‌دانند. از طرفی تصمیمات اخیر در مورد زنگرور به عنوان یک آلترناتیو مقابله با روسیه و ایران توسط ایالات متحده آمریکا می‌باشد. از طرفی روسیه به عنوان ابرقدرتی که دارای سلاح هسته‌ای و ذخایر انرژی فراوان است با شروع جنگ اوکراین وارد میدان رقابت بیشتر با آمریکا شده است.

روسیه و ایران:

منافع روسیه و ایران در حوزه دریای خزر بسیار پیچیده است، بدون تردید از يك سو این دو کشور در برابر نفوذ روزافزون آمریکا با یکدیگر همکاری داشته و سند همکاری راهبردی امضاء نمودند. در سال ۱۴۰۲ میان روسیه و ایران سند همکاری برای ۱۰ سال آینده به امضا رسیده است که طبق آن پیش بینی



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهشهای بایمان اسلام

شده است که گردش کالا افزایش و حجم آن تا ۱۰ میلیارد دلار خواهد رسید. از سوی دیگر درباره وضع حقوقی خزر این دو کشور دیدگاه های مختلفی دارند. (گلمبراکورگان بایوا، ۱۳۸۴)

در مواضع معتدلانه روسیه نسبت به ایران، منافع اقتصادی و ژئوپلیتیک نهفته است. در منطقه ژئوپلیتیک خزر، ایران به عنوان بزرگترین همسایه روسیه دارای منافع مهمی می باشد که به عنوان یکی از بازیگران منطقه ای به شمار می رود. روسیه به لحاظ همجوار با کشور ایران همواره به برقراری رابطه دوستانه با این کشور تمایل داشته است.

این تمایل، خصوصاً ناشی از نفوذ ایران در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی است. علاوه بر این، اتحاد با ایران ابزار مخالفت با توسعه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو و نفوذ ایالات متحده در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی را در اختیار روسیه قرار می دهد بنابراین از منظر استراتژیک، حفظ رابطه دوستانه با ایران حائز اهمیت بسیاری برای روسیه است. همکاری نظامی و اقتصادی تنگاتنگی میان این دو کشور وجود دارد روسیه تمایل دارد ایران را به عنوان همکار مهم استراتژیک و اقتصادی خود بداند. (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۴) بدین ترتیب روسیه منافع خود را تنوع می بخشد و با دولت های دیگر همکاری می کند و سیستم خویشنداری و وزنه مقاومت را در رابطه با دیگر دولت ها نشان می دهد. برای روسیه احداث و بهره برداری لوله های نفتی نه فقط از نظر اقتصادی مهم است بلکه مسئله ای سیاسی است که امکان می دهد به طور مؤثر وضع منطقه را کنترل کند. (گلمبراکورگان بایوا، ۱۳۸۴)

ایران و روسیه با در نظر گرفتن جغرافیایی گسترده و استراتژیک و نیز شمار جمعیتشان می بایست دو نیروی عمده همگرا در منطقه بوده باشند. اما در واقعیت این دو کشور تنها نفوذی حاشیه ای در منطقه داشته اند و به نظر می رسد که اغلب درکنار نیروهای ناهمگرا موضعگیری کرده اند. کشمکش ایران با آمریکا و رقابت روسیه با آمریکا موانع عمده در راه رسیدن دو کشور مذکور به ایفای نقشی موثرتر و فعال تر در امور مختلف منطقه ای می باشد. برای مثال، ایران و روسیه تنها به صورت جنبی در پادرمیانی میان تخاصمات و کشمکش های منطقه ای از جمله کشمکش آذربایجان و ارمنستان ایفای نقش کرده اند و این در حالی است که خود نیز دارای مشکلات و منازعاتی حل نشده با بعضی از دیگر کشورها و یا گروه های قومی در سرزمینشان و یا در منطقه می باشند. همچنین موضع سرد روسیه در قبال جنگ ۱۲ روزه آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران، آن هم در حالی که طی سال های اخیر مسکو و تهران به همکاری راهبردی نزدیک شده اند همکاری بین دو کشور را در بلند مدت با مشکلاتی مواجه می کند. ولادیمیر پوتین و سایر مقامات کرملین تنها به چند بیانیه رسمی محکومیت حملات اسرائیل بسنده

نمودند و از هرگونه حمایت عملی خودداری کردند و در بحرانی ترین شرایط با ایران همکاری نکردند. انتظار می رفت ولادیمیر پوتین و مقامات کرملین موضوعی جدی تری گرفته و لحن تهدیدآمیزتری در پیش بگیرند و حداقل با ارائه کمک های نظامی یا ارسال تسلیحات پیشرفته، به طور عملی با ایران همکاری نمایند. اما برخلاف این انتظارات، روسیه مسیر محافظه کارانه ای انتخاب کرد و تلاش نمود خود را در جایگاه میانجی، ناصح و حتی صلح طلب معرفی نماید.

هر چند روسیه بلافاصله پس از آغاز حملات اسرائیل، با انتشار بیانیه ای رسمی بر روی وبسایت کرملین، این اقدامات را محکوم و نسبت به تلفات انسانی گسترده ابراز تأسف کرد و این حملات را نقض حقوق بین الملل دانست. ولادیمیر پوتین نیز در تماسی مستقیم با دونالد ترامپ، مخالفت خود را با عملیات اسرائیل اعلام کرد و نسبت به پیامدهای این ماجرا هشدار داد. سرگنی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه، هشدار داد که ورود مستقیم آمریکا به این مناقشه می تواند کل ثبات خاورمیانه را در معرض تهدید قرار دهد. ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه نیز، در مصاحبه با مجله تایم ضمن محکوم کردن حمله به تأسیسات هسته ای ایران، از سکوت جامعه بین المللی و مدعیان دفاع از محیط زیست انتقاد نمود. (خبرگزاری اینترفکس)



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۱۰۲

روابط ایران و چین:

نقش بازیگر بزرگ دیگر یعنی چین به نظر تاریک می نماید. از يك سو منافع روزافزون این کشور و حضورش در منطقه آسیای مرکزی روشن است. ولی همزمان باید تأکید کرد که حضورش تاکنون چندان روشن و مشخص نبوده است. یکی از مهمترین علایق چین در آسیای مرکزی، دسترسی به منابع انرژی و از طریق آن به دریای خزر بوده است. برای چین و صنایع قدرتمند آن بازار های این کشورها نیز جاذبه بسیار داشته است. تأمین انرژی یکی از مهمترین اهداف سیاست خارجی چین را تشکیل می دهد. (کولایی، ۱۳۸۵، ۳۶)

دولت چین که با آسیای میانه نیز مجاورت داشته و دیگر به عنوان قدرتی بلامنازع در جهان تبدیل شده است، نیاز روزافزون خود به انرژی نفت و گاز را تأیید می نماید. چینی ها به دلایل مختلفی در منطقه حضور دارند. يك وجه آن ناشی از نگرانی های داخلی و حضور مسلمانان در سین کیانگ می باشد. نکته دوم اینکه چین به منطقه خزر به عنوان «منبع انرژی» و «بازار کار» می نگرد. منطقه خزر بازار بسیار خوبی برای کالاهای ارزان قیمت چینی است و پکن نمیخواهد از این بازار محروم باشد. توسعه و سرمایه گذاری



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی دانش‌های اسلامی
پژوهش‌های دینی جهان اسلام

سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۲، نشان داد که شرکت‌های چینی در توسعه حوزه‌های خزر بسیار علاقمند می‌باشند. (انوری، ۱۳۸۷، ۶۵)

اکنون استفاده از امکانات دریای خزر، آسیای مرکزی و قفقاز میتواند بعنوان مکمل و یا بدیل‌هایی برای معجاری سنتی ارتباط ایران در خلیج فارس و از طریق ترکیه مد نظر باشد. این استراتژی با اشتیاق کشورهایمانند چین برای استفاده از راه‌های جدید برای تامین انرژی و دسترسی به بازارها جدید برای کالاهای چینی همزمان است. چین سالهاست که نگران تک مسیر بودن ورود نفت خام و گاز مایع از طریق اقیانوس هند است که در تنگه مالاکا نظارت و دخالت احتمالی نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه را به همراه دارد. استفاده از خطوط لوله جدید از روسیه و قزاقستان به چین و در ماورای کوه‌های هیمالیا و تین شن که دور از دسترس نیروها و نظارت آمریکاست، امنیت انرژی چین را بهتر می‌سازد. چینی‌ها امیدوارند که خط لوله‌ای نیز از ایران و یا دریای خزر از طریق خشکی به بخش‌های غربی چین برسد. بازار مصرف در کشورهای افغانستان، آسیای مرکزی و ایران نیز آنقدر جذاب است که هزینه ایجاد راه‌های جدید از سینگیانگ به سمت قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، افغانستان و پاکستان به سمت غرب را اقتصادی می‌سازد. (واعظی، ۱۳۸۵، ۲۲)

در مجموع چین به طور رسمی تأکید می‌کند که قصد نشان دادن نفوذ و یا پی‌گیری مقاصد بلندپروازانه خود را در منطقه ندارد. ولی بدون تردید خزر برای چین یکی از عناصر اصلی امنیت و یا پشتیبانی از امنیت است. مسئله امنیت در چین از مسائل بسیار مهم است و امروز چین بدان توجه خاصی دارد و بدین سبب مسئله تحکیم همکاریها در چارچوب سازمان همکاریهای شانگهای که چند کشور ساحلی خزر نیز عضو آن شده‌اند، بسیار مهم است. در رابطه با ایران سیاست نزدیک کردن موضع را پیش گرفته است. در همین جهت برنامه همکاریهای انرژی را برای مدت ۲۵ سال به امضا رسانده است و این عامل روابط دو کشور را وارد مرحله جدیدی می‌کند. (گلبراکورگان بابوا، ۱۳۸۴)

بر این مبنا می‌توان گفت که در سطح تحلیل منطقه‌ای، نگاه چین به سازمان شانگهای اولاً به عنوان ابزاری در جهت ثبات‌سازی در محیط امنیتی این کشور می‌باشد و ثانیاً به مثابه نهادی برای مقابله با تهدیداتی که در قبال انجام سرزمینی آن وجود دارد. همچنین در سطح تحلیل کلان می‌توان گفت که چین با بازتعریف نهادمند قدرت خود به نفوذ از طرق مقابله با نفوذ آمریکا و به دست آوردن انرژی و فراهم کردن بازار فروش محصولات خود، برنامه راهبردی را دنبال می‌کند. در واقع چینی‌ها بروشنی به این واقعیت رسیده‌اند که آینده و تداوم رشد اقتصادی آنها، هم به لحاظ مصرف و هم تأمین انرژی، بطور روز افزونی

به خاور میانه و منطقه خلیج فارس گره خورده و بر این اساس خواستار تقویت حضور و سرمایه گذاری در صنعت انرژی در این منطقه هستند. (انوری، ۶۳، ۱۳۸۷) تاجایی که به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از آسیا پالس، وزیر اقتصاد چین تأکید کرد حجم مبادلات تجاری چین با کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در ۱۰ سال اخیر ۷ برابر شده است. چین در رده دوم مهمترین شرکای اقتصادی تاجیکستان و قرقیزستان قرار دارد. چین همچنین شریک اصلی تجاری قزاقستان و روسیه محسوب می شود. (خبرگزاری فارس-۱۳۹۰/۳/۲۵)

از طرفی از دیدگاه چین نوعی نگرانی وجود دارد که آمریکا از جنگ علیه تروریسم برای ورود و حضور در آسیای مرکزی استفاده کرده و فضای راهبردی چین در آنجا را محدود کرده است. اما سازمان همکاری شانگهای نباید مشکلی در روابط دو جانبه چین-آمریکا باشد. هر دو کشور این فرصت را دارند که استنباط یکدیگر را نسبت به هم تغییر دهند. در حقیقت چین و آمریکا از لحاظ همکاری منطقه ای در آسیای مرکزی منافع مشترکی دارند. آنها می توانند در جبهه هاب مختلف نظیر مقابله با تروریسم، انرژی و توسعه اقتصادی، همکاری نمایند و سازمان همکاری شانگهای این توان را دارد که مبنایی برای همکاری آنها باشد. (شائو-۱۳۸۶-۱۳۸۸)

سازمان شانگهای و امنیت جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران با عضویت در سازمان همکاری شانگهای ایران در پی آن است تا با استفاده از این سازمان ضمن کاهش آسیب پذیری، منافع خود را به گونه ای مطلوب تر مدیریت کند. بدیهی است که در این مسیر، شناخت توانایی های سازمان و منطبق نمودن نیازها و خواسته ها با اهداف و مأموریت های آن از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از ویژگی های اصلی سازمان همکاری شانگهای، عدم توازن آشکار در نقش و جایگاه در میان اعضای آن است. به عبارت دیگر شانگهای سازمانی است که در یک سوی آن کشورهای تازه متولد شده آسیای مرکزی قرار دارند که در سطح منطقه ای بازیگران مهمی محسوب نمی شوند و در سوی دیگر آن قدرت های بزرگی چون چین و روسیه می باشند. از این زاویه است که باید در شناخت این سازمان و نیز گمانه زنی پیرامون آینده آن عمدتاً به تمایلات دو بازیگر اصلی درون آن پرداخت (ملانک، ۱۳۸۳)، در همین حال باید اشاره نمود در حالی که کشورهای مصرف کننده انرژی بر متنوع ساختن منابع ورودی انرژی خود تأکید می کنند، جمهوری اسلامی ایران را باید تولیدکننده ای دانست که دارای منابع متنوعی در قلمرو خود می باشد؛ زیرا ایران در عین آنکه کشوری خاورمیانه ای



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۱۰۴

سال پانزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

و تولید کننده نفت در خلیج فارس است، به حوزه انرژی منطقه اورآسیا نیز متعلق می باشد؛ این بدان معناست که ایران دارای ظرفیت های عظیم و متنوعی برای ایفای نقش راهبردی در بازار تعاملات انرژی در منطقه دریای خزر و آسیای مرکزی است و تنوع در عرضه از سوی ایران و تنوع تقاضا از سوی چین و هند، خود از جمله نقاط تقویت همکاری های انرژی در داخل سازمان می تواند قرارگیرد. (انوری، ۱۳۸۷، ۶۴)

اصول و اهداف موسسات پیمان شانگهای هیچ تناقضی با اصول پذیرفته شده در عرصه سیاست خارجی و نیز رویکردهای استراتژیک جمهوری اسلامی ایران ندارد و صرف نظر از دیدگاه سیاسی چین، ایران و روسیه در نوار پویای رشد اقتصادی قابل توجه حرکت می کنند با در نظر گرفتن این جایگاه این نهاد منطقه ای انتظار می رود با اقبال خوبی درآینده روبرو شود. و عضویت ایران در این نهاد به تسریع در دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی اش کمک اساسی خواهد کرد مشارکت کشورهای همانند ایران در پیمان های منطقه ای منجر به ایجاد تعادل در محیط و ثبات بیشتری خواهد شد. خزر در سیاست خارجی روسیه از اولویت های اصلی می باشد. منافع سنتی روسیه در خزر از طریق تحکیم موضع خود با افزایش همکاریها در زمینه های گوناگون صورت می گیرد. بهره برداری از ثروت زیرزمینی در بخش روسی و یا بخش های دیگر دریای خزر برای روسیه به منظور تامین امنیت انرژی اهمیت بسیاری دارد. (گلمبراکورگان بایوا، ۱۳۸۴)

در واقع روسیه اهداف درازمدتی درخصوص افزایش حضور نظامی اش در منطقه دارد و در این میان با ابتکار روسیه، سازمان پیمان امنیت مشارکتی و سازمان شانگهای پروتکل مشارکت امنیتی را امضاء کردند که می تواند اساس ایجاد یک بلوک نظامی - سیاسی اورآسیایی مشابه ناتو، در قلمروی به گستردگی از بلاروس تا چین باشد که روسیه مدتهاست به دنبال ایجاد آن است تشکیل سازمان همکاری های شانگهای یکی از نتایج استراتژی جدید روسیه است. از طرفی حضور نظامی روسیه در منطقه به نفع جمهوری اسلامی ایران است در حالی که ایران و روسیه به عنوان رقبای یکدیگر در عرصه انرژی محسوب می شوند اما در منطقه آسیای میانه و قفقاز سیاست های مشابه ای را دنبال می کنند و آن کاهش حضور قدرت های فرا منطقه ای بویژه ایالات متحده است. زیرا این حضور امنیت منطقه را به خطر می اندازد و منجر به بروز مناقشات منطقه ای خواهد شد که سطح اعتماد میان کشور های منطقه را کاهش خواهد داد. (واعظی ۱۳۸۵، ۲۲)

حضور نیروهای خارجی بخصوص تعداد زیاد و تجهیزات پیچیده نظامی و ارتباطی آمریکائیان در خلیج فارس و همه کشورهای عربی همسایه ایران و آذربایجان، اقدام آمریکا برای ایجاد یک بلوک جدید



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس آلم اسلام

۱۰۶

سال پانزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

متشکل از اعراب و اسرائیل در برابر خطر نفوذ ایران در خاور میانه، تشدید اختلافات مابین شیعیان و اهل سنت و ازدیاد فشار به کشورهای تولیدکننده نفت برای افزایش تولید، همه و همه ایران را هدف گرفته اند که حملات اسرائیل و آمریکا در خردادماه ۱۴۰۴ نتیجه آن ها می باشد که در عمل سازمان همکاری شانگهای نتوانست به ایران در این موارد کمکی بنماید. بنظر می رسد ایران برای ارتقای سطح امنیت ملی خود علاوه بر عضویت در سازمان شانگهای باید به فکر استفاده از بازیگران دیگر و مکانیزم های دیگر نیز باشد.

کارشناسان انرژی بر این عقیده اند که علت اصلی تمایل غرب و علی الخصوص آمریکا به نفوذ در کشورهای حوزه خلیج فارس، کمبود منابع نفت و گاز جهان و جستجو برای یافتن منابع انرژی جدید است. بسیاری از کشورهای قدرتمند برای تداوم نظام خود بدنبال این منابع محدود انرژی می باشند. لذا کشورهای غربی و آمریکا با بهانه های مختلف و مضحکی که در بین آنها حفظ استقرار و امنیت نیز وجود دارد، بدنبال جایگیری در این منطقه می باشند. کشورهای ذینفع منطقه برای ممانعت از این امر باید سرعت وارد عمل گردیده و تدابیر بازدارنده لازمه در این خصوص اتخاذ نمایند. دو کشور قدرتمند سازمان (روسیه و چین) نفس حضور و نفوذ آمریکا را تهدیدی استراتژیک برای خود محسوب میکنند و معتقدند این امر باعث محدود شدن فضای استراتژیک و حوزه نفوذ آنها میشود.

سازمان همکاری شانگهای اگرچه در ابتدا با هدف حل و فصل اختلافات مرزی بین چین و چهارهمسایه آن در مجموعه کشورهای مشترک المنافع ایجاد شد، اما این سازمان در جهت تبدیل شدن به یک اتحاد منطقه ای با اهداف نظامی و امنیتی پیش می رود. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای آسیای مرکزی با مشکلات عدیده ای در تمام زمینه ها از جمله مسائل امنیتی روبه رو گردیدند که این مشکلات تاثیر بسیاری بر دو کشور روسیه و چین می گذاشت. آسیای مرکزی بنابه دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی، در محاسبات استراتژیک چین و روسیه جایگاه خاصی دارد. سازمان همکاری شانگهای برای همگرایی امنیتی سازوکارهای خاصی دارد که مشارکت کشورهای عضو را می طلبد زیرا برقراری امنیت و ثبات در منطقه، دغدغه همه کشورهای منطقه می باشد (رئیس نژاد و برنجی، ۱۴۰۱: ۱۱۵) لذا این سازمان به دنبال محدود کردن نقش آمریکا در منطقه آسیای مرکزی با استفاده از کشورهای منطقه و درخواست از این کشورها برای برچیدن پایگاه های نظامی و واشینگتن می باشد که با نظر مثبت همه اعضاء روبرو شد و این روند می تواند در کاهش مداخلات خارجی در منطقه منجر شود. در همین چارچوب رویکرد جمهوری اسلامی ایران برای حل این وضعیت: "اصلاح بخش مهمی از این وضعیت

و دستیابی به امنیت، رشد و شکوفایی اقتصادی و رفاه که سه خواسته‌ی اساسی ملت‌های منطقه می‌باشد و این هدف تنها در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای منسجم و هدفمند امکان‌پذیر است.

علاوه بر اینکه بسط و توسعه‌ی مناسبات و همکاری‌ها در چارچوب سازمان‌های منطقه‌ای از یک سو مناسب‌ترین راهکار برای به اشتراک‌گذاشتن موضوعات منطقه‌ای و تلاش برای بهبود وضعیت و از دیگر سو مطرح ساختن خواسته‌ها و تمایلات منطقه‌ای در سطح جهانی می‌باشد. جمهوری اسلامی با این رویکرد که همکاری منطقه‌ای راه برون‌رفت از چالش با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و ایجاد رشد و توسعه بر اساس ویژگی‌های خاص و بومی منطقه می‌باشد، در جهت تقویت و ارتقاء سازمان همکاری شانگهای تلاش می‌کند چرا که تنها سازمانی که توانایی مقابله با ناتو را دارد این سازمان می‌باشد. (امیر احمدیان و حسینی، ۱۳۹۰: ۱۳۰)

سازمان شانگهای و یکجانبه‌گرایی آمریکا

قدرت‌های بزرگ و نوع رویکرد و مدیریت آنها از مهمترین عوامل تاثیرگذار در نظم بین‌المللی می‌باشند. روابط دو جانبه قدرت‌های بزرگ تاثیر زیادی در این نظم دارد. این قدرت‌ها باید ابتدا تحولات و رویدادهای موجود در مناسبات خود را کنترل کنند تا بتوانند این نظم را بوجود آورند. (فاطمی نژاد و اسلامی، ۱۴۰۱: ۲۱۴) سازمان همکاری شانگهای در شرائط فعلی به روند استقلال، دولت‌سازی، ثبات و امنیت منطقه‌ای و توازن بین چین و روسیه در منطقه یاری می‌کند. لذا از آنجائی که سازمان همکاری شانگهای بزرگترین قدرتهای همجوار با «پیوستگی سرزمینی» به کشورهای آسیای مرکزی را تحت پوشش قرار می‌دهد، نسبت به سایر نهادهای مهم موجود، یعنی کشورهای آسیای مرکزی که صرفاً یکی از دو قدرت بزرگ منطقه را پوشش می‌دهد و برنامه مشارکت برای صلح ناتو که خارج از قدرتهای موجود منطقه‌ای نیروی سوم را به معادلات امنیتی منطقه وارد می‌کند و دامنه چالش‌ها را توسعه می‌بخشد، با شرائط کشورهای منطقه آسیای مرکزی برای تعدیل نفوذ همه جانبه روسیه و یا احتمال نفوذ تهاجمی چین انطباق دارد. (همان، ص ۲۶۶).

با در نظر گرفتن سایر عوامل مانند قدرت نظامی، ماشین سیاست خارجی کارآمد، حمایت عمومی از سیاست خارجی قدرتمند و منافع مادی در خارج، حضور کشورهای اقتصادی مهمی مانند چین، روسیه، هند سازمان همکاری شانگهای می‌تواند سازمان ناتو را به چالش بکشاند. لذا تاکید اصلی کشورهای مطرح در این منطقه به ایجاد محیطی برای تمرکز بیشتر بر کسب رشد اقتصادی (داخلی)،





فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۰۸

سال پانزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

امنیت (داخلی و همچنین منطقه ای) و توسعه تبادلات اقتصادی (چندجانبه اعم از منطقه ای و فرامنطقه ای) است. بنابراین آینده منطقه به طور قابل توجهی به علت منازعات بالقوه و بالفعلی ناآرام می باشد. (همان) روسیه با آغاز جنگ با اوکراین به طور عملی با نفوذ ناتو و آمریکا در منطقه مخالفت نمود.

از طرفی در گزارش استراتژی انرژی آمریکا آورده شده باتوجه به اینکه تا ۲۰ سال آینده نیاز این کشور به نفت و گاز با رشدی معادل ۳۳٪ تا ۵۰٪ مواجه خواهد بود. لذا آمریکا باید نظارت و کنترل توازن انرژی جهان را در دست بگیرد. به عبارت دیگر بر مناطق مهم نفت خیز جهان شامل منطقه دریای خزر و کشورهای آسیای مرکزی، عراق، ایران، لیبی، گینه، سودان، اندونزی و ... نظارت و کنترل داشته باشد. کنترل بر منطقه کشورهای عراق، عربستان، قطر، امارات و در آغاز سال ۲۰۲۶ بودن رئیس جمهور ونزوئلا که حاضر به همکاری با ایالات متحده آمریکا در زمینه نفت نبود و حملات به جمهوری اسلامی ایران به بهانه مسائل هسته از جمله اقدامات ترامپ در این زمینه می باشد تا بتواند بر نفت دنیا احاطه پیدا کند. لذا آمریکا این منطقه را پس از خاورمیانه بعنوان مهمترین منطقه تامین انرژی جهان که باید بر آن نظارت و کنترل داشته باشد محسوب نموده و بارها به این نکته نیز اشاره نموده است.

از سوی دیگر آمریکا با کنترل این منطقه ادامه سیاست مهار روسیه، تسلط بر کشورهای آسیای مرکزی، مبارزه با تروریسم و تمایلات ضدآمریکایی را دنبال می نماید. بطور اصلی هدف آمریکا ایجاد شرایطی در این منطقه است که نقش تصمیم گیر و بانفوذ واشنگتن از سوی هیچ کشوری مورد تضعیف و تهدید قرار نگرفته و جایگزینی نیز نداشته باشد.

آمریکا بمنظور تحقق وظایف استراتژیک منطقه ای خود سیاست پراگماتیسم و توسعه طلبانه سرسختانه ای را در زمینه های سیاسی، اقتصادی، دیپلماسی و نظامی برای وادار ساختن کشورهای منطقه در پذیرش بدون قید و شرط نیازهای استراتژیک آمریکا اعمال می نماید. این سیاست ها و اقدامات عبارتند از:

- ۱- تقویت همکاری با کشورهای منطقه در زمینه های سیاسی، نظامی و فنی به منظور تشکیل خط دفاعی در سرزمین اورآسیا (از بالکان - قفقاز تا آسیای مرکزی) ؛
- ۲- بهره گیری از توان مالی و تکنولوژی پیشرفته در زمینه اکتشاف - استخراج نفت و گاز به منظور ورود تمام عیار سرمایه گذاران نفتی به منطقه
- ۳- ایجاد بخش های مدیریتی متخصص و نیروهای نگهداری کننده کانالهای نفتی وگازی در کشورهای منطقه بمنظور نظارت، کنترل و تضمین صادرات با ثبات نفت و گاز به بازارهای غربی ؛



۴- اجرای پروژه های مختلف نفتی و گازی و انتقال آن به بازارهای غربی با محور قراردادن کشورهای ترکیه و آذربایجان به منظور دور زدن روسیه و ایران و پروژه هایی که مسیر آن از این دو کشور می گذرد. (همان).

کارشناسان مرکز توسعه استراتژیک روسیه معتقدند آمریکا با اجرای استراتژی منطقه دریای خزر خود در آینده موجب خواهد شد که کشورهای بزرگ طرح قلمرو تحت نفوذ خود در جنوب اروپا را مجدداً مورد بازنگری قرار دهند. در این میان جنوب قفقاز و کشورهای آسیای مرکزی دارای اهمیت استراتژیک جهانی می باشند. ایفای نقش هدایت کننده آمریکا در این دو منطقه تنها به دلیل تضعیف روسیه از بعد اقتصادی و نظامی صورت نمی گیرد، بلکه درصدد کنترل موثر بر تمام سرزمین اورآسیا است. نتیجه نهایی رقابت روسیه و آمریکا در این منطقه می تواند نقطه عطف پایان پروسه ایجاد نظم تک قطبی توسط آمریکا در جهان محسوب شود. (همان) تحرکات اخیر آمریکا در منطقه، و حمایت های مالی و نظامی از اوکراین نشان می دهد واشنگتن برای بسط نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در منطقه آسیای مرکزی مصمم است. استقرار در این منطقه برای آمریکا به معنای تسلط ژئوپلیتیکی است. از سوی دیگر آنچه حساسیت روسیه به افزایش نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی و اوکراین را برانگیخته است، اهمیت منابع انرژی این منطقه در آینده است. اداره اطلاعات انرژی آمریکا کاهش شدید ذخایر نفتی جهان را پیش بینی کرد اما با وجود زمینه های رقابت و مناقشه یاد شده در آسیای مرکزی، آمریکا و ناتو از یک طرف، روسیه و چین و در واقع سازمان همکاری شانگهای از سوی دیگر دارای نگرانی های مشترکی نیز هستند که می تواند زمینه مصالحه و همکاری این دو جبهه را فراهم کند. محور این مصالحه وجود تهدید مشترکی به نام تروریسم، مواد مخدر و جنایت های سازمان یافته است، که برای دو طرف تهدیدی غیر قابل تحمل محسوب می گردد. به عقیده بسیاری از کارشناسان نگرانی کشورهای عضو شانگهای از تشدید اختلافات مرزی و تحرکات نظامی یکدیگر تا حدودی با موافقتنامه های دو جانبه و چندجانبه مرتفع شده است و اینک نگرانی اصلی اعضاء، حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه و گسترش تروریسم می باشد. همان طور که در نظریه ای نظم نوین جهانی مطرح شده است هیچ یک از قدرت های بزرگ دیگر نمی توانند به عنوان هژمون در نظام بین الملل باشند و به دنبال بقا در حوزه نفوذ خود و در راس نظم سلسله مراتبی باقی بمانند. (علیزاده، ۱۴۰۰: ۲۶۶) ایالات متحده آمریکا با توجه به نظریه همگرایی و با توجه به راهبر امنیت ملی آمریکا که تغییر رویکرد تدافعی به تهاجمی را از سال ۱۹۹۱ و پس از فروپاشی شوروی دنبال می کند به دنبال نفوذ خود و توسعه حضور خود در منطقه و بویژه کشورهای نفت خیز می باشد و از اتحاد های

امنیتی بین کشورهای منطقه جلوگیری می کند. (سلیمان پور و آخشی، ۱۳۹۴: ۱۲۹) اروپا در کنار ایالات متحده آمریکا به دلایل متعددی با توسعه جایگاه سازمان شانگهای مخالف هستند (مختاری، اشغال افغانستان، حمله به عراق، حمله نظامی به جمهوری اسلامی توسط آمریکا و اسرائیل به بهانه مسائل هسته ای از جمله مواردی است که اهداف آمریکا برای جلوگیری از همگرایی و اتحاد و توسعه سازمان شانگهای را نشان می دهد. از نکات بسیار مهم درباره ایفای نقش این سازمان در بعد اجرایی تعهد در قبال پیمان ها، اسناد و معیارهای مربوط به ضرورت حمایت و ارتقای حقوق بشر در جهان می باشد. همچنین باید همکاری و تبادل اطلاعات و تجارب میان کشورهای این سازمان در زمینه اجرای پیمان بین المللی حقوق بشر افزایش یابد.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بانی جهان اسلام

نتیجه گیری:

اصول و اهداف موسسات پیمان شانگهای هیچ تناقضی با اصول پذیرفته شده در عرصه سیاست خارجی و نیز رویکردهای استراتژیک جمهوری اسلامی ایران ندارد و صرف نظر از دیدگاه سیاسی چین، ایران و روسیه در نوار پویای رشد اقتصادی قابل توجه حرکت می کنند با در نظر گرفتن این جایگاه و عضویت ایران در این سازمان به تسریع در دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی اش کمک اساسی نماید.

رویکرد اعضای سازمان همکاری شانگهای از شرایط کاملاً متفاوتی در عرصه های سیاسی، اقتصادی، منطقه ای و بین المللی برخوردار می باشند. آنچه در جنگ ۱۲ روزه آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران انجام شد نشان از عدم توانایی این سازمان در مقابله با ناتو می باشد. لذا با توجه به عضویت چین و روسیه و هند در سازمان همکاری شانگهای، این سازمان ظرفیت بسیار وسیعی برای توسعه اهداف خود و مخالفت با یکجانبه گرایی حاکم بر نظام بین المللی دارد، از این رو سازمان بطور بالقوه می تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا نماید و در حفظ امنیت کشورهای عضو تاثیر داشته باشد. سازمان همکاری شانگهای باید در زمینه تثبیت بیشتر همگرایی بین اعضاء راهبردهای خود را بازتعریف نماید تا بتواند در مواقع حساس در مقابل ناتو از کشورهای عضو دفاع کند

از طرفی ایران باید روی امنیت و منافع خود در حوزه سازمان شانگهای دیدگاه حساس و ویژه ای داشته باشد

باید تحرکات کشورهای غربی و به خصوص اسرائیل و آمریکا در این مناطق با دقت بیشتری مورد توجه و عنایت قرار گیرد و برای تامین منافع ایران در این مناطق اقدامات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی خاص در نظر گرفته شود. این در حالی است که این منطقه را نه به عنوان محل برخورد و یا رویارویی منافع بازیگران بزرگ و منطقه نفوذ ایشان، بلکه باید به عنوان یک منطقه استراتژیک دارای ظرفیت بالایی همکاری تلقی کرد. ظرفیت همکاری در منطقه قبل از هر چیز مربوط به هماهنگی تلاش کشورهای اعم از بازیگران ژئوپلیتیک و کشورهای منطقه است. ضمن اینکه زمینه های بالقوه اقتصادی وجود دارد که می تواند برای همه کشورهای منطقه فرصت فراهم کند. با تکیه بر این دو مؤلفه می توان این سازمان را به عنوان ابزاری ثبات زا در محیط امنیتی در نظر گرفت و از آن در جهت ایجاد ثبات در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران دانست. ایالات متحده آمریکا به دلایل متعددی با توسعه جایگاه سازمان شانگهای مخالف هستند (مختاری، اشغال افغانستان، حمله به عراق، حمله نظامی به جمهوری اسلامی توسط آمریکا و اسرائیل به بهانه مسائل هسته ای از جمله مواردی است که اهداف آمریکا برای جلوگیری از همگرایی و



اتحاد و توسعه سازمان شانگهای را نشان می دهد. از نکات بسیار مهم درباره ایفای نقش این سازمان در بعد اجرایی تعهد در قبال پیمان ها، اسناد و معیارهای مربوط به ضرورت حمایت و ارتقای حقوق بشر در جهان می باشد. همچنین باید همکاری و تبادل اطلاعات و تجارب میان کشورهای این سازمان در زمینه اجرای پیمان بین المللی حقوق بشر افزایش یابد.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سبای جهان اسلام

۱۱۲

سال پانزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

منابع:

- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۴)؛ «ماه نامه - همشهری دیپلماتیک»؛ - شماره ۸۳
- امیراحمدیان، بهرام، حسینی، میرعبداله (۱۳۹۰) مطالعه جایگاه ژئواکونومیک سازمان شانگهای در جهان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره سوم، پاییز، صص ۱۰۱-۱۳۵
- انوری حمیدرضا، مرتضی رحمانی موحّد (۱۳۸۷)، سازمان همکاری شانگهای؛ چشم اندازی به سوی جهان چند قطبی، تهران، وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، ۶۴
- انوری حمیدرضا، (۱۳۸۰)، نگاهی به شکل گیری سازمان همکاری شانگهای، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، وزارت امور خارجه، تابستان
- بهمن شعیب، (۱۳۸۹) جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی، ظرفیتهای همکاری و همگرایی منطقه ای، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، وزارت امور خارجه، شماره ۷۱، تهران
- سجادپور سیدکاظم، (۱۳۸۵)، سیاست خارجی آمریکا و سازمان همکاری شانگهای: ارزیابی گفتمان و پیامدها، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیستم، تابستان و پاییز، تهران، ۲۸۲
- سرگی کولچین، (۱۳۸۵) "روسیه ایجاد باشگاه انرژی در سازمان همکاری های شانگهای را پیشنهاد می کند" خبرگزاری نووستی، مسکو، ۳۰ خرداد
- شانو یوکون، (۱۳۸۶) ترجمه شهبازی بدرالزمان، سازمان همکاری شانگهای و تحول در روابط چین و آمریکا، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تهران،
- شوری محمود، (۱۳۸۳)، ساختارها و ترتیبات امنیتی در جمهوری های شوروی سابق، کتاب کشورهای مستقل مشترک المنافع، ویژه مسایل امنیتی، مؤسسه بین المللی ابرار معاصر تهران، فروردین، صص ۲۸۷-۲۸۶.
- رئیس نژادآرش، برنجی نسیم (۱۴۰۱) مدل منطقه گرایی سازمان همکاری شانگهای، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۵، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۱۲۶-۱۰۱
- قاسمی مصطفی (۱۳۸۶)، بررسی عوامل همگرایی و واگرایی روسیه -چین و هند در قالب سازمان همکاری شانگهای، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۷، بهار صص ۱۱۴
- کولایی الهه، (۱۳۸۵)، سازمان همکاری شانگهای و امنیت آسیای مرکزی، پژوهش علوم سیاسی، شماره سوم، پاییز و زمستان، صص ۳۶
- گلمبرا کورگان بایو، مترجم حامدنیازی، ماه نامه همشهری دیپلماتیک،، شماره ۷۲
- ملائک، حسین؛ (۱۳۸۴)، «ماه نامه - همشهری دیپلماتیک»؛ - شماره ۸۳
- متقی، ابراهیم؛ (۱۳۸۴)، «ماه نامه - همشهری دیپلماتیک»؛ - شماره ۸۳
- محمودی زهرا، (۱۳۸۹) فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۲، تهران
- نادعلی بای، (۱۳۸۷) همگرایی در برابر اعمال نفوذ آمریکا، اجلاس شانگهای در دوشنبه، روزنامه مردم سالاری شماره ۱۸۸۴، ۱۲ شهریور
- واعظی محمود، (۱۳۸۵)، وابستگی متقابل ایران و چین: مشارکت در انرژی، همکاری در امنیت، مجله همشهری



فصلنامه علمی-پژوهشی
جمعیت دراست العالم الاسلامی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

- دیپلماتیک، سال اول، شماره اول، فروردین، ص ۲۲.
- واعظی محمود، (۱۳۸۳) "علل و عوامل استمرار بحران چین" فصلنامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: وزارت امور خارجه، سال سیزدهم، دوره چهارم، شماره ۴۶، تابستان، ص ۷.
- وسولوداچینکوف، (۲۰۰۶) سازمان همکاری شانگهای تقویت می شود، روزنامه روسکیا کارتا، ۷ آوریل
- همیانی مسعود، سجادیپور سیدمحمدکاظم (۱۴۰۱)، ژئوپولیتیک و هویت اوراسیایی: ایران و سازمان همکاری شانگهای، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۲۸، شماره ۱۱۷، بهار، صص ۷۱-۹
- یزدانی عنایت اله و توسرکانی مجتبی، (۱۳۸۶) سازمان همکاری شانگهای و روند چند جانبه گرایی در نظام بین الملل، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم دوره چهارم، شماره ۵۷، ص ۶۱
- یزیه سارگور و دیشیوا، (۱۳۸۷)، مترجم: مهین السادات صمدی، سازمان شانگهای در کشاکش بحران ها، تحلیل گر خبر گزاری آر-بی-سی مسکو، سه شنبه ۲۱ آبان
- ایران و سازمان همکاری شانگهای: (۱۳۸۴) ابهام و امیدها، گاهنامه تحلیل سیاست خارجی ایران و نظام بین الملل، معاونت سیاست خارجی و روابط بین الملل، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۴۳، شهریور ماه
- سازمان همکاری شانگهای و ایران، همشهری دیپلماتیک، شماره سوم، ۱۵ خرداد ۱۳۸۵.
- خبرگزاری فارس- چهارشنبه ۲۵ خردادماه ۱۳۹۰
- خبرگزاری فارس، پنج شنبه ۳۰ آبان ۱۳۸۷.
- خبرگزاری روسیه، چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۸۵.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۸۷.
- خبرسیاسی، تهران حیات، پنج شنبه ۷ شهریور ۱۳۸۷
- معاونت سیاست خارجی و روابط بین الملل، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۴۳، شهریور ماه ۱۳۸۴.
- سایتها:
- ائتلاف شکنده، گرفته شده از سایت www.bashgah.net دسترسی در تاریخ ۸۷/۷/۶
- سازمان همکاری های شانگهای، گرفته شده از سایت www.fa.wikipedia.com دسترسی در تاریخ ۱۱ اکتبر ۲۰۰۸
- پیمان شانگهای به جای پیمان ورشو، گرفته شده از سایت www.rusiran.com دسترسی در تاریخ August ۱۵, ۲۰۰۷
- پیمان شانگهای، گرفته شده از سایت www.aftab.ir دسترسی در تاریخ ۸۷/۶/۹
- سازمان همکاری های شانگهای و نگاه چینی، گرفته شده از سایت www.iras.ir دسترسی در تاریخ ۸۷/۷/۹
- سازمان همکاری شانگهای، ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، ۱۱ اکتبر ۲۰۰۸.
- روزنامه ترند نیوز، ۲۰۰۸/۰۸/۲۹. www.mojnews.com
- رقابت های سیاسی نظامی، پایگاه خبری ایران دیپلماسی، ۲۰- مرداد ۱۳۸۶، www.irandiplomacy.ir
- Bruce Pannier, 2006(Eurasia: Shanghai Cooperation Organization Marks 10 Years, April
- , 26
- http://www.oursouthazerbaijan.com/khaber_khazar1.htm

-Chowdhury Suban Kumar&Hell Kafi Abdullah,(2015) The heartland Theory of sir Halford John Makinder .justifikation of forean policy of the unated states and Russian in senteral Asia ,Jornal of liberty and international Affiars, vol.1,no.2,pp.58-70

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۵۰۱۰۵

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

امیری، مجاهد (۱۴۰۲)، «نقش سازمان همکاری شانگهای در مقابله با یک جانبه گرایی ایالات متحده آمریکا» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۵، ش ۱، بهار ۱۴۰۴، صص ۹۳-۱۱۵.

